

جنائی امریکا گزارش میدهد که ۲۹ درصد قتل‌های انجام شده در سال ۱۹۶۶ در داخل خانواده‌ها روی داده‌اند - متجاوزان. در درصد از کلیه جنایات بوسیله جانیان حرفه‌ای نبوده بلکه توسط خویشان و نزدیکان مقتول انجام یافته‌اند. زنان و شوهران هم‌دیگر و با اطفال خود را از بسین برده و یا فرزندان پدر و مادر خود را بقتل میرسانند. چگونه چنین وقایعی ممکن میگردد؟ حضرت عبدالبهادر مکتوبی میفرمایند:

حیوانات درنده و خونخوار
هیچگاه نوع خود را نمیدرند
(مضمون بیان)

چرا باید انسان اشرف مخلوقات باین اعمال وحشیانه مبادرت نماید؟

در سایر ممالک نیز آمار وضع بهتری را نشان نمیدهد. بطور نمونه در کشور آلمان از ۵ هزار خانواده‌ای که در سال ازهم پاشیده میگردد ۲۰ هزارتای آن دارای - کودکان خردسال میباشند. در پس این ارقام انسان‌هایی را باید جستجو کرد که زندگیشان بوج و بیروح است و فغان کودکانی بگوش میرسد که فریاد میزنند " مادر ما را ترک مکن" نوجوانانی که باید تصمیم بگیرند در نزد کدامیک از عزیزان خود پدر یا مادر را بیل بزندگی اند و اطفالی که از آن پس باید در شبانه روزها و یا در نزد نامادری یا ناپدری بسربرند. دکتر والتر همسینگ (Dr. Walter Hemsing) روانشناس متخصص و مشاور امور تربیتی میگوید: " قسمت اعظم تمام کودکان نابساز و نوجوانان تربیت ناپذیر و جوانانی که

دارای سوابق جنائی میباشند در خانواده‌های ازهم پاشیده شده رشد نموده‌اند. این جوانان بی خانمان و از آغوش گرم خانواده بیرون رانده شده‌اند با وجود این تعداد این گونه اطفال روز - بروز در تزايد میباشند. آمار در کشور آلمان نشان میدهد که هر ۹ دقیقه‌ای یک طفل جدید به جمع آنان افزوده میگردد. یک سنجش عقاید از طرف یونسکو این مطلب را روشن ساخت که در اروپا و امریکا ۶۰ درصد از همه زنان شوهردار خود را پیشیمان ناراضی و بدبخت حس مینمایند. آنها اعتراف مینمایند که اگر میتوانستند مجدداً ازدواج نمایند همسر دیگری را انتخاب مینمودند.

حضرت ولی امرالله در مورد تنزل معنویات و اخلاقیات که اساس جمیع این نارضائیهاست میفرمایند:

" شیوع بی بندوباری و استعمال مشروبات الکلی قمار و اقسام گناه و علاقه بی پایه ای که بکسب لذات و غنا و ثروت و تجملات زمینی رائج گشته و سستی در مراعات قوانین اخلاقی که روز بروز با قوتی شدید تر از قبل مخصوصاً در رازد و اجها ظاهر میگردد بنحوی که حتی مانعت از آن محال مینماید تضعیف مقام والدین و تخفیف اختیارات پدر و مادر در منزل بسر اولاد فساد خانمانسوز طبع کتسب

و آنچه ادبیات مینامند اشاعه
 نظریاتی که منکر تنزیه و تقدیر هستند
 و هر یک مخرب اساس ایمان
 و ارکان اخلاق میباشند کل
 مظاهر تمدنی عالم انسانی در
 شرق و غرب است این روح پستی
 در جمیع طبقات رسوخ و نفوذ
 یافته و باریختن زهر خود به هر
 فردی از افراد جوامع چه زن و
 چه مرد کل را علیل و فاسد و
 بیمار ساخته است این در نائت
 و پستی پیرو جوان را در خود
 میگرد و کار را بجائی میرساند
 که عالم انسانی که تا بحال
 بیدار نگشته و رسالت و اصالت
 انبیا را درک نکرده و دست
 توبه به آستان آلهی بر
 نداشته سجل کرد از خود را با
 اعمالی ارنزل از قبل میآید
 و نامه حیات خویش را که سیاه
 بود سیاه تر از همه وقت میسازد
 گوهر یکتا ص ۲۹۹

روانشناسان و مشاورین خانوادگی
 علل مختلفی را از قبیل مشکلات مالی
 اختلاف در امور جنسی، توقعات زنانه
 طرفین از یکدیگر عدم وجود هدف و
 احساس مشترک ذکر نموده اند هر یک از این
 عوامل نشان دهنده قسمتی کوچک از این
 مشکل بزرگ میباشند. برای جلوگیری از
 این نارضایتی همگانی که هر یک از ما بنحوی
 با آن سروکار داریم نیاز شدیدی بوجود یک
 شیوه نیکبختی است که موافق با روح زمان
 باشد.

آیا این نابسامانیها در نتیجه از بین
 رفتن ارزشهای اخلاقی و معنوی نیست؟
 آیا بشر محتاج اصول اخلاقی
 و معنوی جدیدی نمیشد؟

۳- شکاف بین دو نسل

چرا اولیا و فرزندان این دو نسل
 زمان مایکدیگر را درک نمیکنند؟ چرا
 جوانان به اندرز اولیا گوش هوش فـرا
 نمیدهند؟ متجاوزانیمی از جمعیت
 دنیا را افراد کوچکتر از ۲۰ سال تشکیل
 میدهند. خانه اولین اجتماعی است که
 طفل با آن رو برو میگردد اولین مکانی که
 در آن همبستگی، محبت، یاری، آرامش
 و گرمی را باید بیاموزد. امروزه بنیان این
 اولین واحد پرورش شخصیت اطفال
 چنانچه در قسمت قبل از آن سخن رفت
 متزلزل میباشد. ظاهراً عده معدودی
 ضرورتاً سعی متلاشی شدن زندگی
 خانوادگی و اثر آنرا بر روی جوانان
 دریافته اند. جوانان امروز اکثر
 خانواده هائی پرورش مییابند که تفاهم
 متقابل و هماهنگی حکم کیما را دارد. پس
 از جوانانی که در چنین خانواده هائی
 پرورش یافته اند چه انتظاری میتوان
 داشت؟ چگونه یک دختر جوان میتواند
 بیایکی وعفت عقیده داشته باشد زمانیکه
 در خانواده خود همه گونه فساد، دروغی
 و دورنگی را بچشم باز میبیند. فرزندان
 میوه درخت خانواده اند چگونه میتوان از
 درخت بی برثمره نیک انتظار داشت؟

امریکائیهها با وجود اینکه توانسته اند چند انسان را بکره ماه فرستاده و برگردانند و از سیاه راه ای با فاصله ۱۰۰ میلیون کیلومتر عکسبرداری نمایند لکن در این دنیا ای خاکری از جنگلگیری از یاد روز افزون جرائم در کشور خود عاجز مانده اند. امروزه در ایالات متحده در هر ۹۳ دقیقه ای یک نفر بقتل میرسد و بنا به گزارش اداره امور جنائی کشوری علاوه بر آن در هر ۱۷ دقیقه ای یک جنایت اقدام میشود در هر دو دقیقه ای یک تجاوز شدیدا و در هر ۱۷ ثانیه ای یک زردی اتفاق میافتد. جرائم و اعمال زور دستجمعی در هر ۵ ثانیه یکبار بوقوع میپیوندد بنا به اظهارات گار هوور

مدیونایق سازمان اف - بی - آی

ایالات متحده از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۸ - تعداد جرائم شدید بمقدار ۱۲۲ درصد فزونی یافته اند اعمال زور ۱۰۶ درصد و دستبرد بخانه ۱۲۴ درصد بیشتر شده اند. آمار قتلها آمار خشک و خالی اند ۲ حال ببینیم چنانچه شهری مدت زمان کوتاهی بدون پلیس باشد چه اتفاقاتی رخ خواهند داد. متاسفانه شهر مونترال در کانادا امکان آزمایش این واقعه را یافت و در مدت اعتصاب ۱۶ ساعته پلیس به ۶ بانک دستبرد زده شده متجاوزان ۱۰۰ خانه غارت گردیدند زدیهای فراوانی رخ داد ۱۲ آتشسوزی عمندی بوقوع پیوست و مجموعاً ۲۲ میلیون تومان خسارت مالی بوجود آمد. و در غیر بقتل رسیدند با وجود این ساکنین مونترال معتقد

بودند که شانس با آنها یاری نمود و گناه شاهد اتفاقات ناگوارتری نبودند چنانکه در فصول گذشته ذکر گردید - در خانواده در ساختن شخصیت افراد یک ملت نقش مهمی را ایفا مینماید زیرا هیچ طفلی جانی تولد نمیگردد بلکه جانی تربیت میشود.

نبودن ارزشهای اخلاقی صحیح در خانواده، مدرسه و تشکیلات دینی و تاثیر نیروهای منفی دیگر در اجتماع و مسائل مختلفی که با بقایا نابودی تمدن بشری مرتبط میگردد همه و همه عواملی هستند که در افزایش جرائم و اعمال زور سهم مهمی را دارا میباشند. حضرت ولی امرالله نیز این را از بد هشتترین مظاهر فساد تلقی نموده و میفرمایند:

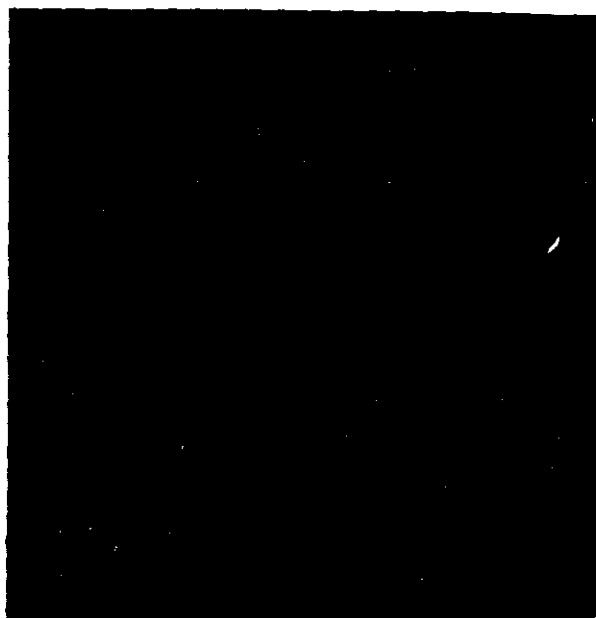
" میزان فساد اخلاق بنحوی
تدنی یافته که شدت جنحه
و جنایات روز افزون شاهد بر
آنست فساد سیاسی آنچه آن
است که دامنه اش روز بروز
وسیعتر میگردد و این فساد در
جمیع انجلا کشور حتی در اعلی
طبقات رسوخ مییابد و بواسطه
مقدسه ازدواج از هم گسسته
اختیارات والدین را در منازل
خود از بین برده بطوریکه آنان
را تحقیر مینمایند و این امور از
بد هشتترین مظاهر فساد
است که دامنگیر این جامعه
عظیمه گردیده و بنحوی آشکار
است که دیگر محال است مبهم
و مستور بماند و هر شخص بصیری

آنرا مشاهده میکند .
بموازات این فساد جریان دیگری
در کار است که در جمیع جوانب
حیات رسوخ یافته و آن شری
است که در این ملت و فی الواقع
هر ملت سرمایه داری وجود
دارد و آن تاکید شدید مستمری
است که در رفاه و آسایش مادی
نفوس بکار میرود و بالعمره از آنچه
که تعلق به عالم روح دارد غافلند
و حال آنکه تنها شالوده ای که
بر آن بنا نهایت اطمینان و اعتماد
میتوان شالوده ای رزین
و اعمده متین برای سعاد ت
عالم انسانی برپا داشت همین

جنبه روحانی حیات انسانی
است " گوهر یکتا ص (۳۰۱)
و در توقیع (قد ظهروم المیعاد)
موقعیت دنیا را چنین بیان میکنند :
" . . . دنیائی که از حیث
روحانیت فقیر است و از جهت
اخلاقیات ورشکست شده و از
حیث سیاست متلاشی گردیده
و در قسمت اجتماعی متشنج
شده و از لحاظ اقتصادی امور
آن فلج گردیده و از سوزش میاط
غضب الهی بخود پیچیده
و اعضا و جوارح آن خون آلود
و از هم گسیخته است "

درباره میس شارب

Miss Adelaide Sharp



● خدمات و زحمات سالهای متعددی بانوی خدوم و متصاعده الی الله میس شارب شایسته آنست که شرح احوال و از خودگذشتگی هایش بتفصیل بیان گردد • چون در این مدت فرصت تدوین چنین شرح کاملی بدست نیامد آهنگ بدیع بیاد ایشان سه نوشته از خاطرات سه نفر از یاران را که با ایشان محشور بوده اند درج مینمایند و امیدوار است که در آینده به نشر شرح احوال مفصل ایشان در مجله موفق گردد •

● میس آدلید شارپ

بهیبه نادری

۱۲ شهرالمشیه ۱۳۳

۷ اکتبر ۱۹۷۶ - ۱۵ مهرماه ۲۰۲۰

از صعود مروج فداکار و ثابت قدم امرالله ادلید شارپ عزیزو محبوب که خدمات و زحماتش مشحون از خود گذشتگی و محویت بود و طی تقریباً پنج عقد خدمت به جامعه یاران راستان در مهد امرالله در سبیل تعلیم و تربیت نونهالان الهام بخش آنان و موجب بارور کردن و پرثمر نمودن حیات روحانی جوانان گردید همچنین در تنبغات و ترجمه آثار مبارکه و تقویت و تحکیم مؤسسات اداری توفیق یافت و بعنوان اولین عضو جامعه نسوان ایران بعضویت محفل روحانی ملی مفتخر گردید عمیقانه متاثریم، پیوسته خدمات مفیده بهیبه آن روان شاد در یاد خواهد بود.

خدماتیکه مشارالیه با فداکاری تام انجام داد مورد تقدیر و فیرولی محبوب امرالله واقع گشت و موجب تقویت روابط بین جامعه بهائیان آمریکا و یاران موطن جمال اقدس ابهسی گردید. در اعجاب مقدسه برای علو مقام جاویدان روح پر فتوح آن متصاعده الی الله در ملکوت ابهسی با کمال اشتعال دعا مینمائیم. به یاران اطلاع دهید مجالس تذکر شایسته ای با افتخار مشارالیها برپا نمایند.

محفل روحانی ملی آمریکا نیز مجلس تذکری در مشرق الاذکار منعقد مینمایند.

بیت العدل اعظم الهی

تلگراف منیع مبارک فوق بمناسبت صعود ورقه زکیه منقطعه میس ادلید شارپ که قریب نیم قرن عمر عزیزو گرانبهایش را در ایران برای کسب رضای مولای مهربان و تربیت نونهالان و تعلیم جوانان گذرانده عرصه و ریافته است.

اولین بار که ایشان را ملاقات کردم در سال ۱۳۱۴ شمسی بود که با جبارها اتفاق

پدر و مادر هم برای اقامت بظهران آمده بودیم و من در کلاس هشتم مدرسه تربیت ینسات پذیرفته شدم و تحت تعلیم مربیان عزیزبهای بتحصیل اشتغال ورزیدم. میس شارپ عزیزم مدیریت مدرسه را بعهده داشت اگرچه این دوران بسیار کوتاه بود و بعلمت بسته شدن مدارس بهائی بمناسبت تعطیل در یوم شهادت حضرت رب اعلی ادامه نیافت و لکن آنچه از آن زمان بخاطر مانده میس شارپ جوان و شاداب در کسوت مدیریت خانگی مقتدر و مدبرانه لباسی ساده و مرتب و نظیف و قامتی چون سروروان و مورد احترام محصلات جوان بود.

پس از تعطیل مدرسه عده از محصلات برای تحصیل لسان انگلیسی صبح ها بمنزل ایشان میرفتیم و نزد مادر بسیار روحانی و نورانی میس کلا را شارپ تلمذ مینمودیم در اینجا جنبه دیگر زندگی او را از نزدیک مشاهده مینمودیم. آن مادر مهربان که در عین تدریس زبان انگلیسی اشعار انگلیسی را هم با ما میخواند و خود ارگ مینواخت در قیقه از فکر یگانه فرزند دلبندهش غافل نبود و در فواصل درس نان سفید تست میکرد و کره و مربا روی آن می گذاشت چای دختر را گرم نگاه میداشت تا هر وقت فرصت کند صبحانه اش را تناول نماید. سالها بعد مادر را دیدیم که روی صندلی چرخ دار نشسته و در اثر شکستگی پا قدرت حرکت و راه رفتن ندارد و میس شارپ عزیز از او پرستاری و پذیرائی میکند براستی صمیمیت و محبت بین این مادر و دختری نظیر و عبرت انگیز بود و بجزرات میتوان گفت صعود مادرش تا شیر روحی عجیبی در او بجای گذاشت که تا آخر عمر باقی بود.

در زمانیکه ایادی عزیز امرا لاله جناب فروتن منشی محفل مقدس ملی بهائیان ایران بودند نفوسیکه در دفتر محفل تردد داشتند اغلب اوقات میس شارپ عزیز را در آنجا مشغول خدمت میدیدند یا با ماشین تحریر انگلیسی بنویشتن معرفینامه و نامه های انگلیسی مشغول بود و یا بین دفتر و اطاق منشی محترم در رفت و آمد و انجام وظیفه بود و وقتی برای اولین بار امریه مولای محبوب حضرت ولی امرالله مبنی بر اجازه شرکت امام الرحمن ایران در محافل محلی و ملی صد دریافت میس شارپ بعضویت محفل ملی بهائیان ایران انتخاب گردید و دامنه خدمتش وسیع تر شد و بر این خدمت مدت ۳ سال مداوم قائم بود و حتی پس از آنهم تا اواخر حیات با محفل ملی همکاری داشت و معرفینامه های مسافران بخارج ایران راتهییه مینمود و باروشی گشاده مخصوصاً جوانانی را که قصد عزیمت بخارج از کشور برای تحصیل داشتند راهنمایی میکرد.

نگارنده افتخار دارم که مدت ۳ سال در محفل مقدس ملی با این آیت انقطاع از نزدیک همکاری داشته ام و در سفری براض اقدس و شرکت در کاننشن بین المللی بهائیس و کنگرانس بین المللی لندن هم سفر و هم اطاق بوده ام و مدتی قریب ۳ سال هفته ای یک صبح تا ظهر از محضرایشان برای مطالعه آثار امری با انگلیسی استفاد نموده ام. ایکاش قدرت ایمن را داشتم که خصوصیات اخلاقی او را چنانکه بود برشته تحریر آورم و قطره از ریای دین خویش را نسبت بآن معلم عزیز و ارجمند انعام افسوس که قائم رایارای نگارش نیست و الفاظ را گنجایش معانی نه مهمترین صجه او مخصوصاً در موقع مورد محفل که جالب افکار و نظر بود توجه

کامل او بنصوص روح تعالیم الهیه بود مخصوصاً آنچه را از دوره اقامت خود در ارض اقدس و طیبی مطالعه کتاب نظم جهانی حضرت بهاء الله در محضر مبارک به یاد داشت غالباً ذکر میکرد و میگفت حضرت شوقی افندی چنین فرمودند و حضرت شوقی افندی چنان دستور داده اند و سعی وافر داشت که غیر از بیانات مبارکه مطلبی گفته نشود و خودش نیز کمترین اظهار نظر مینمود و اگر مطلبی که اظهار میشد تردید داشت که موافق بانصوص هست یا نه تکیه کلام همیشگی خود را بکار میبرد (I don't believe you) تا گوینده نص را ارائه دهد او همانقدر که در اظهار نظر صریح بود و برای خودش آمد کسی سخنی در مسائل امری نمیکفت در دوستی فداکار و باگذشت بود و کسی را که صمیمانه با او محبت مینمود قلباً دوست داشت و بهر صورت ملاحظه حال و دوستان را مینمود .

بیهاد دارم در سفر اول که با توافق اعضا محفل مقدس ملی برای انتخاب بیت العدل اعظم الهی و شرکت در کانونشن بین المللی بارض اقدس رفته بودیم بعد از مراجعت از عکاس میس شارپ عزیز تبت کرد و در پید نش لکه های قرمز رنگی نمود ارشد که پس از احضار طبیب و معاینه معلوم شد حشراتی اورا گزیده اند البته پس از چند روز بهبودی یافت با او شوخی میکردم که میس شارپ چون من قبول ندارم یک طوی علی الظاهر بیشتر شامل حال شما شده و اومی خندید و تعارفات مخصوص خودش را نشان میداد (اشاره به حدیث اسلامی است که طوی از برای کسیکه عکارا زیارت کند طوی از برای کسیکه زائر عکارا زیارت کند ، طوی از برای کسیکه از زمین البرقیها عمارت و طوی از برای کسیکه عکارا برگردد) .

در همین سفر وقتی به تل آویور رفتیم که بسمت لندن حرکت کنیم جناب هادی رحمانی عضو محترم هیئت مشاورین قاره در غرب آسیا و جناب سلیم نونونیز همراه بودند ما و نفر در خیابان براه افتاده بودیم جنابان رحمانی و نونوسرشار از باده فیوضات الهیه ، سرانجام نمیشناختند و بسرعت خیابانهای اطراف مینمودند میس شارپ عزیز که کفش ناخن پایش را بشدت زخم کرده بود نمیتوانست بسرعت آقا بان حرکت کند و نمیخواست در عالم هم سفری و رفاقت همراهی نکند . ناچار عقب میماند و بهم آن بود که یکدیگر را گم کنیم بهر زحمت بود آقا بان را از وضع او مطلع میکردم و خواهش مینمودم کمی آهسته تر حرکت کنند چند لحظه موضوع بیادشان بود و باز همان وضع تکرار میشد ولی میس شارپ بهر زحمتی بود میآمد . باری میس شارپ عزیز عاشق حضرت ولی امرالله بود و بعشق هیکل مبارک و برای جلب رضای مولای محبوب مدتی قریب . سه سال در ایران در سخت ترین شرایط زندگی کرد جز ذکر حضرت شوقی افندی ذکر نداشت و بجز بیاد محبوب آرامشی نمی یافت . زمانی که او با ایران آمد نه آب لوله کشی بود نه حمام در منازل وجود داشت نه سعی و کوشش در رعایت بهداشت میشد و نه امکانات امروز وجود داشت بانوی جوان و پرازنده که از امریکا با ایران آنزمان قدم نهاد از آب آب انبارها که از جوهرهای آلوده سرپاز میگذشت می آشامید بیخ برگل ولای یخچالهای متداول آنزمان را می خرید و مصرف مینمود از گرمابه های عمومی برای استحمام استفاده مینمود و از بسیاری آزمایشهای زندگی راحت گذشته که بان خو گرفته و با آن بزرگ شده بود چشم پوشید و لب به شکوه و شکایت نگشود و قریب